

ایران

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

• **مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**

• **رئیس هیات مدیره:** صادق حسین جابری انصاری

• **مدیرعامل:** علی متقیان

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰

• **پيامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۳ • **روابط عمومی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری و مؤسسه جام جم

• **سازمان آگهی های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه انزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• **بذیرش سازمان آگهی ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۲۳



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید



سخن روز

امام علی (ع):

دانش اندک همراه با عمل، بهتر است از علم بسیار بدون عمل.

نهج البلاغه، حکمت ۳۱۶

روایت‌های سینماگران از پیوند آرام و دیرپای ما با خانه‌ای به نام ایران

من اینجا ریشه در خاکم



گزارش

نگس عاشوری

گروه فرهنگی

فرهادی، در روزگاری که ورود ایرانی‌ها به خاک آمریکا محدود شده بود، جایزه اسکار را در دست گرفت و روی صحنه احترامی آرام به مردم کشورش گذاشت. برای اهل علم، شاید آن تصویر مشهور باشد؛ وقتی یاسمین مقبلی از پنجره فضاپیما به نقشه روشن ایران نگاه کرد و حسرتی در دل‌ها نشست که از دوری خانه می‌آمد.

فرهادی، در روزگاری که نام ایران بیش از پیش میان خیرها، نگرانی‌ها و حماسه‌ها شنیده می‌شود، همین احساس مشترک دوباره خود را نشان می‌دهد. گوین ای سرزمین، با همه تفاوت‌ها و فاصله‌هایی که میان ما هست، هنوز می‌تواند همه را برای لحظه‌ای کنار هم بنشاناند؛ مثل مادری که فرزندان پراکنده‌اش را دوباره به آغوش می‌خواند.

این مجموعه دل‌نویسته‌ها تلاشی ست برای ثبت همین لحظه‌ها؛ چند نگاه کوتاه از سینماگرانی که هرکدام به شیوه خود با تصویر، روایت و حافظه سر و کار دارند. از آن‌ها پرسیده‌ایم «ایران» برایشان چگونه معنا می‌شود؛ خانه، خاطره، آدم‌ها، یا شاید فقط لحظه‌ای از یک تصویر، پاسخ‌ها متفاوت است، اما از جایی مشترک می‌آید؛ از پیوندی پنهان که هنوز ما را به این خانه وصل نگه داشته است.

فرهادی، همه آن چیزی را که نامش «ایران» است در خود جمع می‌کند؛ بی‌آنکه بخواد شعاری بدهد یا احساسی بسازد. هرکدام از ما لحظه‌ای داشته‌ایم که عشق به این سرزمین را، بی‌آنکه قرار باشد چیزی بگوییم، در جانمان حس کرده‌ایم. برای اهل فوتبال شاید آن لحظه، بغض فروخورده حمید استیلی یا گل‌زدن به آمریکا بود؛ در صورت او چیزی از آشتی با خویشتن و ریشه‌دواندن یک حس مشترک دیده می‌شد. برای دوستان اران سینما شاید همان شبی بود که اصغر

واکنش هنرمندان به روزهای جنگ در روایت‌های مجازی، حضورهای میدانی و تولید آثار تازه

ایستادن سمت وطن



گزارش

نیلوفر ساسانی

گروه فرهنگی

وقتی پای وطن در میان باشد، راه خود را برای رسیدن به مردم پیدا می‌کند. این همراهی، در هفته‌های اخیر، خودش را در چند ساحت متفاوت نشان داد؛ از شکستن سکوت در فضای مجازی و یادداشت‌های صریح هنرمندان تا حضور فیزیکی در میدان‌های شهر و در کنار نیروهای امدادی و در نهایت تداوم روایتگری در قالب خلق آثار تازه. این گزارش، مروری است بر این مسیر؛ روایتی از هنرمندانی که انتخاب کردند در کنار مردم بمانند و صدای رسای خانه‌ای باشند که به آن تعلق دارند.

ایران: خط قرمزی که دوباره گفته شد

در روزهایی که جنگ وارد سومین هفته‌اش از تقویم این بحران شده، فضای عمومی جامعه فقط میدان خبرهای نظامی و سیاسی نیست؛ عرصه‌ای است که در آن چهره‌های فرهنگی هم به شیوه خود واکنش نشان می‌دهند. بعضی با یک استوری کوتاه، بعضی با یادداشتی بلند و برخی با بازشریک تصویر یا سانس. مجموع این صداها در یک نقطه به هم می‌رسد؛ تأکید بر ایران و تمامیت سرزمینی آن. در میان این واکنش‌ها، آنچه بیش از همه به چشم آمد، شکستن سکوت چهره‌های جدید بود. همین شکستن سکوت، برای بخشی از افکار عمومی به اندازه یادآوری تاریخی بود؛ «ما را روایت خواهند کرد که این روزها گجا ایستاده‌ایم». جمله‌ای که بنوعی مسئولیت اخلاقی و تاریخی کنشگران حامد بهداد یکی از همین چهره‌ها بود. بازیگری که پیش‌تر به خاطر سکوتش مورد

انتقاد قرار گرفته بود، برنامه‌اش با انتشار متنی در صفحه شخصی‌اش موضع خود را روشن کرد. او در پاسخ به پرسشی درباره «کدام روز مهم‌تانست؟» گفت: «مادر که در فرزندش زنده است». این جمله، در کنار واکنش‌های دیگران، به نوعی یادآور آن بود که در آن زمان زمین‌های ایران برای امروز فراهم کرده‌اند. برخی دیگر از چهره‌ها نیز در روزهای صبح بود؛ «من از این جنگ که به میهمان خاطرات عملیات‌های «جسون» و «خبر» و یاد شهیدان باکری نوشت که این روزها پیش از همیشه به آن روایت‌ها فکر می‌کند. هدی زین‌العابدین نیز جمله‌ای کوتاه اما

روشن نوشت: «چه تازید و چه تمجید کنید، موضع من آبراهه». پیش از این نیز چهره‌های دیگری از سینما و موسیقی در واکنش به تحولات اخیر، به‌ویژه شهادت کودکان میناب، یادداشت‌هایی منتشر کرده بودند؛ از ابراهیم حاتم‌کیا و مجید جمیدی تا بهمن فرمان‌آرا، رضا میرکریمی، علیرضا داوودنژاد، احمدرضا درویش، مرلیا زارعی، پرویز پرستویی، گلاره عباسی، محمد حسین مهدویان و جمعی دیگر از هنرمندان.

وقتی هنرمندان به خیابان آمدند

واکنش‌ها اما تنها به کلمات و یادداشت‌ها محدود نمانده است. گاهی حضور فیزیکی، ایستادن در میان جمعیت و شریک شدن است؛ حضوری که بیش از هر بیانی‌ای دیده می‌شود. در تهران، یکی از این صحنه‌ها در سعادت‌آباد شکل گرفت؛ جایی که ابراهیم حاتم‌کیا همراه با فرزندش یوسف حاتم‌کیا در جمع شبانه مردم حاضر شد. حضور کارگردانی که نامش سال‌ها با روایت‌های جنگ و مقاومت در سینمای ایران گره خورده، برای بسیاری از حاضران یادآور همان پیوند میان روایت سینمایی و واقعیت اجتماعی بود. میدان ولیعصر نیز در روزهای اخیر به یکی از کانون‌های تجمع مردمی تبدیل شد؛ جایی که چهره‌هایی از حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر در میان مردم دیده شدند. احسان یاسین

آستانه تثبیت دوران «اشغال ناپذیری» این سرزمین گهنگسال نزدیک می‌شود. ایران یعنی مدرسه شجره طیبه میناب.

علیرضا شجاع نوری، بازیگر مادری با تن زخم خورده

هریبا که به ایران فرمی‌کنم حس می‌کنم مثل مادری زیبا و صبور با تنی سراسر زخمی فرزندانش را در آغوش گرفته و بر تازیان‌ها رهازان بی‌رحم صبری‌کنم. تنها دغدغه‌اش همدلی فرزندانش است که دوست ندارد به هم پشت کنند و پراکنده شوند پیش رهازان! می‌دانم دلش با تک‌تک مردم ایران است و من هم! من در میان ویرانه‌های جا مانده از هجوم پیام‌آوران تاریکی به این سرزمین، دنبال ققنوس می‌گردم!

محمد مهدی عسگرپور، فیلمساز و مدیرعامل خانه سینما سرزمین بی‌قاری می

ما نسل خاصی هستیم از بهمن ۵۷ سال ۸ جنگ با عراق یعنی، نژادهای سال ۶۰، رویدادهای دهه‌های ۸۰، ۹۰، ۱۴۰۱، جنگ ۱۲ روزه و حالا هم جنگ رژیم نسل‌کش و آمریکا؛ هریک از این وقایع و حوادث برای درک مفهوم مینم هم می‌تواند کافی باشد و هم برهم‌زننده مؤلفه‌های از پیش تعیین شده و نهفته در مفهوم مینم. ایران ما در طول سال‌ها و قرن‌ها، سرزمین بی‌قراری‌ها بوده و مردمانش هم به خوبی آموخته‌اند که در میان انواع تنها هم‌ها و بی‌قراری‌ها، در گونه زیست کنند؛ زیستی که در دلش حماسه و تراژدی، عشق و معرفت، ایثار

و بخشش در وقت مناسب شکل می‌گیرد، شاید از همین روست که ماندگارترین اشعار و نواها و تصاویر، مربوط به همین دوره‌های پرتلاش این سرزمین بوده است.

رسم‌زاین پیچیدگی‌ها را باید در مردمان خونگرمش، طبیعت جذابیش، فرهنگ غنی‌اش و پایداری‌های اقوامش یافت. امروز این معجون کم‌یاب، مانند بسیاری از دوره‌ها در مصافی غریب با بخشی از قدرت‌ها که فاقد این ریشه‌های تمدنی هستند، قرار گرفته؛ در برابر دشمنی که دارای فرهنگ و اصول انسانی نیست و حماسه‌هایش در نسل‌کشی و کودک‌کشی ترجمه می‌شود؛ افتخاراتش در برخورد با دیگر تمدن‌ها با خشونت و جنگ قرین و صادراتش ترس و وحشت و جهالت مدرن است.

تاریخ‌نشان داده که در چنین نبردی، پیروزی نهایی با طایرفی است که شأن انسانی و عشق به مینم برای‌اش اصالت دارد و جزئی از هویتش شده است.

بیرون زدن نیست هر چه در عالم هست از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

حسن فتحی، فیلمساز

ایران پس از شاهنامه تجزیه‌پذیر نیست کج اندیشانه که خیال شوم تجزیه ایران را در سر ایران را در سر می‌پروراند، بهتر است سرگذشت عبرت‌آموز تاریخ این کهن مرز و بوم را باز خوانی کنند.

این جغرافیای متنوع و متبرک این هنر و میراث باشکوه فرهنگی این آیین‌ها و آداب و رسوم‌ها و فلسفه‌ها و عرفان‌ها و فولکلورهای به‌جامانده از نیاکان فرهیخته. این زرمزه‌ها و نوجوهای عزیزم گفتن‌ها و جانم شفتن‌های جانمایی ساده‌نویس این مردمان شریف و مومن به نودوستی و همزیستی صلح‌آمیز... باری دل قوی دار، که ایران پس از شاهنامه فروسی، دیگر قابل تجزیه نیست.

فرهاد توحیدی، فیلمنامه‌نویس

چه می‌توان نوشت، چه می‌توان گفت، در جهنم زریورو، در هنگامه آتش و خون کمک‌های از راه رسیده؟

زیر آسمان سیاه شده از دود، در شب سرخ روشن آتش، در سبیل باران آسیدوی. از روز شب، از شب روز، فقط صدای همایون را تا آسمان بلند می‌کنم که آوازهای وطنی‌اش را بخواند؛ آوازخوانی در شبم سرچشمه خورشید تو یار و دیار و عشق تو سرچشمه امید تو ای صبح فروردین من! ای تکیه‌گاه آخرین! ای کهنه‌سرباز وطن! جان جهان، ایران زمین ای در گامت خون وطن ای پرچم‌تا ما را کفن دور از نوادا اهرمن ایران من، ایران من، ایران من

روایت جنگ در قاب تصویر و صدا

پهلوان زاده، محسن بهاری، علی سراهنگ، علی جعفرآبادی، رضا شریفی، مهران مهدویان، هادی مقدم‌دوست، هادی نایچی، رضا محبی، محمد اسفندیاری و سید جواد هاشمی اپیزودهای مختلف آن رامی سازند. در کنار این سریال‌ها، یک برنامه اینترنتی نیز با حال‌وهوای این روزها تولید شده است. مه‌رانه همین تریبی پس از سال‌ها با اجرای برنامه «دل‌را» به قاب تصویر بازگشته؛ برنامه‌ای که از ۹ فروردین در پلتفرم فیلم‌نت منتشر می‌شود و روایت دل‌دادگی ایرانی‌هایی است که به گفته سازندگان، این سرزمین را با هیچ چیز عوض نمی‌کنند. اما واکنش هنرمندان تنها به قاب تصویر محدود نمانده است. در حوزه ادبیات، چندین شاعر نیز واکنش به این روزها سروده‌هایی منتشر کردند. سعید بایانکی، افشین علا، محسن گابویی، مجید تال، امید مهدی‌نژاد، محمد مهدی سیرامی، محمد صالح مصلح شاعر افغانستانی، غلامرضا طریفی و... از جمله شاعرانی بودند که به این تحولات واکنش نشان دادند. در عرصه موسیقی نیز چند آثار تازه منتشر شد. محسن چاووشی قطعه «حسی‌الله» را خواند؛ اثری که به سرعت در فضای مجازی دست‌به‌دست شد. کرد رضایی نیز با انتشار قطعه «مادر ایران» به این روزها واکنش نشان داد و محسن ابراهیم‌زاده قطعه «ایران جان» را منتشر کرد؛ مانهگی که تصویر آن با الهام از حمله به بیمارستان گاندی بارانسازی شده است. فریدون آسرایی نیز اعلام کرد قطعه‌ای با عنوان «لالی» را برای کودکان میناب منتشر خواهد کرد. حتی هنر کارنگار نیز بی‌واکنش نماند. سیدمسعود شجاعی طباطباتی در جمله هنرمندان این عرصه است که در یکی از تازه‌ترین آثارش به سخنان دونالد ترامپ که گفته بود «هدیه بزرگ ایرانی‌ها به من رسیده» واکنش نشان داد؛ کارنگاری که در زبان طنز سیاسی تلاش داشت این ادعا را به چالش بکشد.

در چنین لحظاتی، هنرمندان تنها شاهد یا همراه نیستند؛ آنها به شیوه خود وارد میدان شده‌اند. برای بخشی از هنرمندان، پاسخ به این روزها در بازگشت به رسالت اصلی هنر تعریف شده است؛ روایت کردن. از سریال‌هایی که هم‌زمان با روزهای جنگ جلی دوربین رفته‌اند تا شعرها، ترانه‌ها و حتی کاریکاتورهایی که در واکنش به این روزها خلق شده‌اند. در میان این تولیدات، شاید مهم‌ترین اتفاق به حوزه سریال‌سازی بازگردد؛ جایی که چند گروه سینمایی تقریباً هم‌زمان تصمیم گرفتند روایت خود از این روزها را ثبت کنند. یکی از این پروژه‌ها سریال اپیزودیک «سرو، سپید، سرخ» است که تنها چند روز پس از آغاز جنگ، فرآیند نگارش و تولید آن آغاز شد. این مجموعه ۱۵ قسمتی که با محوریت جنگ و رضای ساخته می‌شود، ساختاری اپیزودیک دارد و هر قسمت آن توسط یک کارگردان مستقل در یک نقطه از ایران روایت می‌شود. بابک خواجه‌پاشا، لیلی عاج، محمود کریمی، دانش اقباشاوی، مهدی شامحمدی، امیرعباس ربیعی، محمد علیرضا فرد، رضا کشاورز، محمد پایدار، امیر داسارگر، حسن حبیب‌زاده، ابودر حیدری، فرزاد زنجیر و سیدمحمدحسین حسینی کارگردانانی هستند که هرکدام بخشی از این روایت چندوجهی را شکل می‌دهند. هم‌زمان با این پروژه، یک مجموعه اپیزودیک دیگر نیز در تهران در حال تولید است؛ «سهیل» (هل ایران) که طراحی و ایده آن از محمدحسین مهدویان است. این سریال ۱۴ قسمتی از ۲۶ اسفندماه جلی دوربین رفته و تاکنون بخش قابل توجهی از آن تولید شده است. در کام‌نکست، هفت گروه تولید هم‌زمان در سطح کشور به ساخت اپیزودهای اولیه پرداختند؛ اپیزودهایی که در فضایی نزدیک به واقعیت روزهای بمباران فیلمبرداری شده‌اند. سرپرستی نویسندگان این پروژه برعهده مهدی یزدانی خرم‌آبادی و کارگردانی چون مهدی شامحمدی، سجاد

فرضیایی با حضور در بیمارستان مفید به عیادت کودکان مجروح جنگ رفت و ساعتی را در کنار آنها گذراند. در این میان، یک کنش دیگر نیز توجه بسیاری را جلب کرد؛ اقدامی که از خیابان و تجمع فراتر رفت و به بازسازی آینده فکر کرد. محسن چاووشی با اعلام مشارکت در پوششی برای بازسازی مدارس آسیب‌دیده، از آغاز این حرکت مردمی خبر داد. او با انتشار تصویری از این پوشش نوشت: «با هم می‌سازیم؛ برای فرزندان عزیز ایران. بسم‌الله».

همدلی در خط مقدم

در روزهایی که خدمت‌رسانی از دل بحران معنا پیدا می‌کند، بعضی صحنه‌ها بیش از آنکه تصویری از امداد باشند، تصویری از روح جمعی یک کشور است. کنار نیروهای هلال احمر و آتش‌نشانی، جایی میان خستگی و امید، جایی که آدم‌ها بدون دوربین و صحنه، تنها با حضورشان معنای تازه به همبستگی می‌دهند؛ حضوری که صرفاً نمادین نیست، بلکه نوعی تأکید بر این بود که روایت این روزها فقط متعلق به نیروهای رسمی نیست؛ هنرمندان هم بخشی از آن هستند.

سجاد بابایی یکی از چهره‌هایی است که در روزهای پرنشاط اخیر به پایگاه هلال احمر رفت. او در جمع امدادگران گفت: «دست‌درازی به خاک این مملکت تحت هر شرایطی محکوم است» پدید احمدیه نیز لحظه تحویل سال را در کنار نیروهای هلال احمر گذراند. او در گفت‌وگویی کوتاه تأکید کرد: «در طول تاریخ هیچ کشوری آزادی را با حمله کشور دیگر تجربه نکرده است. در تهران، مهران غفوریان به یکی از ایستگاه‌های آتش‌نشانی رفت تا از نزدیک با نیروهای امداد‌رسانی ملاقات کند؛ کسانی که این روزها دوشادوش هلال احمر با پیامدهای حملات و آواربرداری‌ها درگیرند. هدیه بازوند نیز در هم‌زمان، کنار امدادگرانی رفت که درگیر پیامدهای مستقیم حمله به مناطق جنوبی بودند. در کنار این چهره‌ها، حضور طریف مستنزه دیگری از هنرمندان نیز ثبت شد؛ پژمان جمشیدی، جواد قارایی، مینم ابراهیمی، حامد عسکری، نعیمه نظام‌دوست، حمید دهقانی، وحید رهبانی، یوسف تیموری، سیاوش چرنی پور، سیروس همتی، فریبا کوزلی، حسین تبریزی، علی صالحی، مهدی قنیه، اتابک نادری و علیرضا استادی.